

متطلبات المقاربة القائمة على المقاومة في الانضمام إلى المعاهدات الثقافية الدولية

محمد تقى مرادى^١، محمد على راغبى^٢، مهدي كرامى پور^٣

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/٠٢/١٧؛ تاريخ القبول: ١٤٠٤/٠٧/٠٤ هـ.ش]

الملخص

في ظلّ اتّساع نطاق الاتصالات العالمية وتزايد الحاجة إلى تيسير العلاقات الدولية، قد تمّ إبرام معاهدات ثقافية عديدة من قبل الدول الغربية، في ضوء مقاربة علمانية، تستهدف التوحيد الثقافي للشعوب المختلفة. وقد انضمت كثير من الدول الإسلامية إلى هذه المعاهدات، تحت عناوين، من قبيل التنمية المستدامة. تنطلق الإشكالية الرئيسة لهذه الدراسة من استكشاف موقف المذاهب الإسلامية من الانضمام إلى المعاهدات الثقافية الدولية، واقتراح الحلول القانونية المستندة إلى مقاربة قائمة على المقاومة. تسعى الدراسة الراهنة، معتمدة على المنهج الوصفي التحليلي ومستندة إلى الآيات القرآنية وآراء المفكرين الإسلاميين، إلى إثبات أنّ حق التشريع لله وحده، وأنّ الشريعة الإسلامية هي المصدر الشرعي الوحيد للتشريع؛ ومن ثمّ، فإنّ القبول غير المشروط لأحكام المعاهدات الثقافية الدولية التي تتعارض مع الأحكام الشرعية، يُعدّ غير مشروع من المنظور الإسلامي. ومع ذلك، فمن أجل تحقيق تفاعل بناء مع المجتمع الدولي وتجنّب العزلة، تقترح الدراسة نموذجاً للمقاومة القانونية، يركّز على جملة من الحلول، أهمّها: توظيف آلية التحفّظ عند الانضمام إلى المعاهدات، وإدراج الشروط التعاقدية في نصوص الاتفاقيات، وإنشاء معاهدات ومؤسسات ثقافية مشتركة بين الدول الإسلامية. وتُتيح هذه الحلول والإستراتيجيات للدول الإسلامية الحفاظ على سيادة أحكام الشريعة وصيانة هويتها الثقافية، مع تعزيز حضورها الفاعل والمؤثر في مسار العلاقات الدولية.

الكلمات المفتاحية: التحفّظ، الشريعة الإسلامية، القانون المعيارى، المعاهدات الثقافية الدولية،

المقاومة القانونية

١. طالب الدكتوراه في الفقه ومبادئ القانون الإسلامي، جامعة قم، قم، إيران ostaad313@gmail.com

٢. أستاذ مشارك في الفقه ومبادئ القانون الإسلامي، جامعة قم، قم، إيران (الكاتب المسؤول) ma.raghebi@qom.ac.ir

٣. أستاذ مساعد في الفقه ومبادئ القانون الإسلامي، جامعة قم، قم، إيران mahdi.gerami.pour@gmail.com

بایسته‌های رویکرد مقاومت محور در پیوستن به معاهدات بین‌المللی فرهنگی

محمد تقی مرادی^۱، محمد علی راغبی^۲، مهدی گرامی پور^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۴]

چکیده

با گسترش ارتباطات جهانی و ضرورت تسهیل روابط بین‌المللی، معاهدات فرهنگی متعددی از سوی کشورهای غربی و با رویکردی سکولار برای یکسان‌سازی فرهنگی ملل مختلف منعقد شده‌اند. بسیاری از کشورهای اسلامی با عناوینی همچون «توسعه پایدار»، به این معاهدات پیوسته یا در شرف پیوستن هستند. پرسش اصلی این مقاله، تبیین دیدگاه مذاهب اسلامی درباره پیوستن به معاهدات فرهنگی بین‌المللی و ارائه راهکارهای حقوقی مبتنی بر رویکرد مقاومت محور است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به آیات قرآن و آرای اندیشمندان اسلامی نشان می‌دهد که قانون‌گذاری به طور مطلق از آن خداوند متعال است و شریعت اسلام تنها مصدر مشروع تشریع قانون است. بنابراین پذیرش بی‌قید و شرط مقررات معاهدات فرهنگی دارای تعارض با احکام شرعی، از منظر اسلامی نامشروع است. با وجود این، برای امکان تعامل سازنده با جامعه بین‌الملل و اجتناب از انزوا، الگوی مقاومت حقوقی ارائه شده است. مهم‌ترین راهکارهای این الگو عبارت‌اند از: استفاده از مکانیسم «حق شرط» در الحاق به معاهدات، به‌کارگیری «قید شرط» در متن توافقات و ایجاد معاهدات و نهادهای فرهنگی مشترک میان کشورهای اسلامی. این راهبردها به کشورهای مسلمان امکان می‌دهد ضمن حفظ حاکمیت قوانین اسلامی و پاسداری از هویت فرهنگی خود، در عرصه روابط بین‌المللی حضوری فعال و تأثیرگذار داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: حق شرط، شریعت اسلام، قانون معیار، معاهدات فرهنگی بین‌المللی، مقاومت حقوقی.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران ostaad313@gmail.com

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) ma.raghebi@qom.ac.ir

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران mahdi.gerami.pour@gmail.com

مقدمه

امروزه کشورها برای برخورداری از امکانات یکدیگر و سهولت در روابط بین‌المللی به دنبال یکسان‌سازی قوانین در سطح بین‌المللی هستند؛ از قوانین اقتصادی یکپارچه گرفته تا وضع قوانینی برای پذیرش فرهنگ واحد جهانی. بیشتر قوانین یکپارچه بین‌المللی از طرف کشورهای غربی، وضع و به کشورهای مختلف ابلاغ می‌شود تا در ظاهر با پیوستن به آنها، مسیر پیشرفت را هموار کنند.

روی حساس سخن، معاهدات فرهنگی است که بیشتر حمایت‌های سازمان‌های بین‌المللی منوط به اجرای این معاهدات در سطوح مختلف است؛ برای نمونه با فشارهای پیاپی فیفا در مورد حق ورود زنان به استادیوم‌های ورزشی، در هجدهم مهر سال ۱۳۹۸ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۹) زنان ایرانی در جایگاه تماشاگر در استادیوم آزادی حضور پیدا کردند. این امر به اندازه‌ای برای فیفا مهم بود که برای رفع ممنوعیت حضور زنان در استادیوم‌ها تأکید کرد: «در صورتی که رفع ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه‌ها تا ۱۱ اسفندماه سال ۱۴۰۰ صورت نگیرد، فوتبال ایران به طور کامل تعلیق و از راهیابی به جام جهانی محروم خواهد شد». منشأ چنین تلاشی نیز رفع تبعیض جنسیتی علیه زنان عنوان شده است (ماده ۱۳ آیین‌نامه انضباطی فیفا).

روشن است که پذیرش این قوانین و پیوستن به این معاهدات، مخاطراتی در عرصه فرهنگی به همراه دارد و با احکام شرعی زیادی می‌تواند ناسازگار است. طبق اصل ۱۵۳ ق.ا.ایران، «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود، ممنوع است». بنابراین این پرسش طرح شدنی است که نگاه مذاهب اسلامی به چنین پیوسته‌هایی چیست؟ همچنین برای امکان تعامل با کشورهای دنیا و تحفظ بر قوانین شریعت، چه بایسته‌هایی باید مدنظر کشورهای مسلمان باشد؟

بنابراین مسئله اساسی، بایسته‌های حقوقی مقاومت محور و راهکارهای پیشنهادی برای پیوستن به معاهدات بین‌المللی فرهنگی است. چرایی تمرکز بر مقاومت حقوقی، نمونه‌هایی از تجددطلبی همچون کشف حجاب در زمان رضاخان است که با وضع قوانین یک شکل سازی لباس‌ها، این رویه عملیاتی شد. حتی برخی معتقدند زمینه نظری تجددطلبی در ایران در زمان میرزا حسین خان سپه‌سالار، تأسیس مدرسه آموزشی حقوق با استادان فرانسوی به منظور تربیت کادر مورد نیاز وزارت عدلیه و تدوین قوانین عرفی به جای قوانین شرعی بود (نقوی، ۱۳۶۳ ه.ش، ج ۱، ص ۸۵). بنابراین محوریت این نوشتار، مقاومت حقوقی است.

برخی از مقالات مرتبط در حوزه معاهدات فرهنگی عبارت‌اند از: ۱. «حق شرط‌های اسلامی به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» نوشته پیترو پائولی (۱۳۹۸)؛ ۲. «مطالعه انتقادی مقررات کنوانسیون منع تبعیض جنسیتی علیه زنان و ارائه الگوی اسلامی» اثر منصوری، کوشا، حاتمی و آل‌کجباف (۱۴۰۳). در این مقالات فقط منع تبعیض جنسیتی علیه زنان مدنظر قرار گرفته است. طبق بررسی انجام گرفته در پژوهش‌های مرتبط با این موضوع، مقاله خاصی که عموم معاهدات بین‌المللی فرهنگی را با رویکرد مقاومت محور از منظر مذاهب اسلامی بررسی کرده باشد، یافت نشد. برخی از نوآوری‌های این مقاله بدین شرح است: ۱. ترکیب موضوعاتی که تاکنون در کنار هم قرار نگرفته‌اند: مقاومت حقوقی؛ معاهدات فرهنگی و مبانی قرآنی قانون‌گذاری؛ ۲. تمرکز بر معاهدات فرهنگی به جای معاهدات اقتصادی یا امنیتی.

برای تبیین زوایای بحث در این نوشتار، نخست واژگان «مقاومت حقوقی» و «معاهدات بین‌المللی فرهنگی» بحث شده است، سپس نمونه‌های تعارض معاهدات فرهنگی با احکام شریعت ارائه می‌شود. در گام بعدی، به اختصار قانون معیار از منظر قرآن کریم در

دو حیطه ایجابی و سلبی مطرح می‌شود و در گام پایانی، بایسته‌ها و راه‌حل‌های رویکرد مقاومت محور در پیوستن به معاهدات بین‌المللی فرهنگی تجزیه و تحلیل می‌گردد.

۱. مفاهیم

برای تبیین صورت مسئله و امکان ارزیابی رویکرد مقاومت محور مذاهب در پیوستن به معاهدات بین‌المللی، ابتدا مقاومت و معاهدات بین‌المللی فرهنگی معنا می‌شود.

۱-۱. مقاومت حقوقی

در لغت قوام یک شیء، آن چیزی دانسته شده که بدان متکی بوده و رکن و ستون آن است (فراهیدی، ۱۴۱۰هـ، ج ۵، ص ۲۳۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۰هـ، ج ۱۲، ص ۴۹۹). این کلمه در باب مفاعله در عبارت «قَاوَمْتُهُ قَوَامًا» به معنای ایستادن با دیگران معنا شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۰هـ، ج ۱۲، ص ۴۹۷) که منتهی به ایستادگی جمعی می‌شود.

مفاهیم اساسی که وجه مشترک مشتقات «ق و م» است، عبارت‌اند از: دوام و ثبات شیء، عدالت و عادلانه بودن، محور بقا بودن، فعلیت بخشی و فعلیت داشتن و نظام و ستون بودن. معنای جامع مقاومت با توجه به این مفاهیم اساسی، عبارت است از: «ثبوت فعلیت شیء بر اساس عدالت». بنابراین مقاومت در راستای فعلیت و تعالی و مستمر جریان دارد، همواره مورد دشمنی شیاطین است و در مقابله با دشمن معنا می‌یابد (قاسمی و دیگران، ۱۴۰۲هـ.ش، ص ۱۸۸).

مقاومت حقوقی عبارت است از: استفاده از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی برای جلوگیری از نفوذ احکام ناسازگار با شریعت اسلامی و حفظ استقلال تقنینی دولت اسلامی، بدون انزوا از نظام بین‌الملل. در واقع مقاومت حقوقی، پایداری در برابر

فشارهای بین‌المللی برای پیوستن بی‌چون و چرایه معاهدات فرهنگی و ایجاد التزام حقوقی برای پاسداری از قوانین اسلامی است.

۲-۱. معاهدات بین‌المللی فرهنگی

موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که بین دولت‌ها یا بین یک دولت و یک سازمان بین‌المللی برای اعمال حاکمیت منعقد می‌گردد، معاهده نامیده می‌شود (شیروی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۳۵). در بند اول ماده ۲ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در خصوص حقوق معاهدات آمده است: «معاهده عبارت است از یک توافق بین‌المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف‌نظر از عنوان خاص آن و با قطع نظر از اینکه در یک یا چند سند تنظیم شده باشد».

منظور از معاهدات بین‌المللی فرهنگی، نوعی از معاهدات هستند که بیشتر دنبال متحدالشکل کردن عناصر فرهنگی کشورهای عضو هستند.

۲. نمونه‌های تعارض معاهدات فرهنگی با احکام شریعت

در این قسمت برای عینیت بخشیدن به چالش مطرح شده در این نوشتار، نمونه‌هایی از معاهدات فرهنگی معارض با احکام دینی مطرح می‌شود.

۲-۱. CEDAW (رفع تبعیض علیه زنان)

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، معاهده‌ای بین‌المللی است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. از بین اعضای سازمان ملل تاکنون تنها شش کشور ایران، سومالی، سودان، تونگا به این کنوانسیون ملحق نشده‌اند.

دو کشور آمریکا و پالاو هم کنوانسیون را امضا کرده‌اند، اما هنوز به آن نپیوسته‌اند. کمیته رفع تبعیض علیه زنان، نهادی برای نظارت بر حسن اجرای این معاهده به موجب ماده ۱۷ کنوانسیون تأسیس شده است. یکی از اهداف کنوانسیون، تغییر شکل سنتی خانواده در کشورهایی است که به خانواده در جایگاه نهاد مستقل احترام می‌گذارند. در مقدمه کنوانسیون آمده است: «با اطلاع از اینکه تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به مساوات کامل میان زنان و مردان ضروری است...». برخی از سیاست‌های این کنوانسیون که مخالف شریعت‌اند، بدین شرح است:

الف) تربیت نسل بدون نقش جنسیتی: CEDAW در پی این است که نسل جدید را بدون هویت جنسیتی بار بیاورد. در ماده ۱۰ بخش ج آمده است: «از بین بردن هرگونه کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در کلیه سطوح و در اشکال گوناگون آموزشی از طریق تشویق به آموزش مختلط و سایر انواع روش‌های آموزشی که نیل به این هدف را ممکن می‌سازد؛ به‌ویژه از طریق تجدیدنظر در کتب درسی و برنامه‌های آموزشی مدارس». این ماده، بستن مدارس غیرمختلط را دنبال می‌کند؛ زیرا از دیدگاه CEDAW، هویت جنسی برای انسان تحمل‌ناپذیر است.

ب) سقط جنین: در ماده ۱۲ کنوانسیون بخش الف آمده است: «دولت‌های عضو برای رفع تبعیض از زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی آنان، کلیه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدمات تنظیم خانواده بر اساس رعایت مساوات بین مردان و زنان تضمین شود». در این ماده از کلمه «سقط جنین» استفاده نشده است؛ اما گذشت زمان نشان داد که تنظیم خانواده در اصطلاح به معنای «دسترسی به خدمات سقط جنین» است. در دیدگاه فمینیستی، حاملگی نوعی مانع یا دست‌کم مزاحم تساوی زنان با مردان است؛ به همین دلیل

سقط جنین به مثابه ملاک تساوی باید در دسترس تمام زنان باشد (رک: کبیری و رودگر، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱۳۳ - ۱۵۳). بنابراین کمیته CEDAW به صراحت از مکزیکی می‌خواهد: «مصونیت از مجازات برای سقط جنین را در کلیه قوانین کیفری ایالتی تضمین کند و دسترسی به سقط جنین ایمن و قانونی را در سراسر کشور، از جمله از طریق سقط جنین پزشکی (دارویی) تسهیل کند».

ج) حقوق هم جنس‌بازان: در ماده ۱ کنوانسیون، «تبعیض علیه زنان» به مثابه رفع هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت بر اساس جنسیت تعریف می‌شود. با اینکه در کنوانسیون ذکر صریحی از حقوق هم جنس‌بازان پیدا نمی‌شود، کمیته CEDAW در گزارشی، نگرانی خود را از اینکه در قرقیزستان، «هم جنس بازی زنانه» در حقوق کیفری جرم جنسی شناخته شده است، ابراز می‌دارد و خواستار منسوخ شدن جرایم مقرر برای این عمل شده است. (Wendy Wright, n.d, p 19)

د) روسپیگری قانونمند: در ماده ۱۱ بخش الف، کنوانسیون تأیید می‌کند: «انسان‌ها باید حق انتخاب آزاد شغل و مشغولیت داشته باشند»؛ ولی کمیته CEDAW، روسپیگری اختیاری را در چارچوب «حق انتخاب آزاد» برای تأمین نیاز زنان محتاج در سراسر جهان وارد کرده است. در این راستا، کمیته از چین می‌خواهد که دیگر روسپیگری را جرم تلقی نکند. (31 Wendy Wright, n.d, p)

۲-۲. CRC (حقوق کودک)

کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ میلادی به تصویب رسید. در این کنوانسیون نیز «کمیته حقوق کودک» به مثابه سازوکاری نظارتی پیش‌بینی شده است که بر اجرای مقررات این کنوانسیون از سوی دولت‌های عضو نظارت می‌کند. از بین کشورهای جهان،

فقط آمریکا و سومالی تاکنون کنوانسیون را تصویب نکرده‌اند. برخی از موارد نقدپذیر در این کنوانسیون عبارت‌اند از:

الف) حق تابعیت مستقل کودک:

در ماده ۷ کنوانسیون، ثبت تولد کودک، کسب تابعیت و در صورت امکان مشخص شدن والدین و تحت سرپرستی گرفتن کودکان توسط والدین و قیم قهری یا قانونی از حقوق کودک شناخته شده است. نکته قابل نقد در این ماده، کسب تابعیت کودک است. چنین استقلالی نه تنها برای حمایت از کودک نیست، بلکه با مصالح کودک هم مغایرت دارد. این استقلال با قوانین داخلی ایران هم سازگار نیست؛ چراکه طبق قوانین داخلی، استقلال در کسب تابعیت پس از رسیدن به هجده سالگی است (مواد ۹۷۷، ۹۷۹ و ۹۸۵ قانون مدنی).

ب) آزادی عقیده کودک: در ماده ۱۲ کنوانسیون آمده است: «کودکانی که قادر به شکل دادن عقاید خود هستند، بتوانند عقایدشان را در تمام موضوعات آزادانه ابراز کنند و به نظرات آنها بها داده شود». در ماده ۱۴ هم بر آزادی فکر و عقیده و مذهب تأکید شده است و والدین و سرپرستان کودک، موظف به هدایت کودک برای اعمال این حقوق شده‌اند.

اشکال مطرح در این ماده، عدم نظارت و کنترل بر چنین رفتار کودکان است. اگر کودکی بر اساس حق آزادی به اطلاعات مغایر با اعتقادات خود دسترسی افت و هیچ‌گونه نظارتی بر وی نباشد، بلکه ممنوع هم گردد (ماده ۱۶. بند ۱ و ۲)، آیا این امر موجب آشفتگی فکری و روانی او نمی‌شود؟

ج) حمایت‌های کیفری از کودک: در ماده ۳۷ کنوانسیون، شکنجه و مجازات اعدام و حبس ابد برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع اعلام شده است. آمریکا دلایل

تصویب نکردن کنوانسیون مذکور را به هم ریختن اقتدار والدین توسط کنوانسیون و عدم وجود مجازات اعدام برای اشخاص زیر ۱۸ سال (که در ۲۵ ایالت آمریکا برای چنین اشخاصی مجازات اعدام وجود دارد) دانسته است (Stanford v. Kentucky, 1989).

۲-۳. ۲۰۳۰ Agenda & SDGs (توسعه پایدار ۲۰۳۰)

اهداف توسعه پایدار (Sustainable Development Goals) با عنوان رسمی دگرگونی جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار ۲۰۳۰ (Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development)، مجموعه‌ای از اهداف مربوط به آینده هستند. این دستور کار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، از سوی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ میلادی ارائه شد و نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایا برای پانزده سال آینده ترسیم کرد.

این دستور کار در ایران با نام سند ۲۰۳۰ یونسکو معروف شد. رهبر شهید انقلاب اولین نفری بود که مخالفت این سند با احکام اسلامی را مطرح کردند و در دیدار با معلمان فرمودند: «اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب ویرانگر فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36431>).

۳. قانون معیار از منظر قرآن کریم

در این قسمت برای سنجش مشروعیت پذیرش مواد قانونی معاهدات بین‌المللی، ابتدا قانون معیار از منظر قرآن کریم با تمرکز بر آرای مفسران مذاهب ارائه و تحلیل می‌شود.

۳-۱. رویکرد ایجابی قانون معیار از منظر قرآن کریم

بر اساس توحید در حاکمیت، حکومت مخصوص پروردگار متعال است. همین امر سبب می‌شود که قانون، حکم و فرمانی مشروعیت داشته باشد که به اذن پروردگار است و مشروعیت خود را از ناحیه او کسب کند. اصل ۴ ق. ۱۰ ایران نیز مقرر داشته است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است». یگانه حکم و قانونی که برای مردم متبع و لازم‌الاجراست، همان حکم و قانون خداست (امام خمینی، ۱۴۲۳هـ، ص ۴۵). در این قسمت، رویکرد ایجابی قانون معیار از منظر قرآن کریم درباره نهاد صالح در قانون‌گذاری بررسی می‌شود.

۳-۱-۱. اختصاص حکم به خداوند متعال

از نگاه قرآن، حکم مخصوص خداست (انعام ۶: ۱۵)؛ بنابراین قانونی به جز قانون خدا نمی‌تواند بر بشر حاکم باشد و هرکسی که فرمان خود را به جای قانون خدا بر مردم تحمیل کند، مشرک است و اطاعت از وی نیز شرک شمرده می‌شود (عمید، ۱۴۲۱هـ، ج ۲، ص ۱۸۷). در واقع حکومت اسلامی، «حکومت قانون الهی بر مردم» است (امام خمینی، ۱۴۲۳هـ، ص ۴۴). بدیهی است کسی می‌تواند به خوبی حق را از باطل جدا کند که علمش از همه بیشتر و شناخت حق و باطل برای او روشن باشد؛ همچنین قدرت کافی برای اعمال دانش خود داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴هـ.ش، ج ۵، ص ۲۶۴).

از آیاتی که بر اختصاص حکم تشریعی به خدای تعالی دلالت دارد، آیه «إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ» (یوسف ۴۰: ۱۲) است.

۳-۱-۲. صدور حکم مطابق حق و «ما أنزل الله»

خداوند متعال حضرت داوود را خلیفه الهی معرفی می‌کند و به او می‌فرماید: «یا داوُد اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص ۳۸: ۲۶). «بِالْحَقِّ» به معنای بالعدل است (سمرقندی، ۱۴۱۶هـ، ج ۱، ص ۳۱۲). حق جز از کتاب و سنت به دست نمی‌آید (بخاری، ۱۴۲۴هـ، ج ۸، ص ۵). حق قائم بر دلیل و عقل است و باطل بر هواهای نفسانی و شهوت متکی است (زحیلی، ۲۰۰۹م، ج ۷، ص ۲۳۳). برخی نیز «بِالْحَقِّ» را به احکام الهی معنا کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۱۵هـ، ج ۴، ص ۸۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵هـ، ج ۱۲، ص ۱۷۹). حق خلاف باطل است؛ پس هر قانونی بدون اتکا به احکام اسلامی، باطل است. شافعی معتقد است طبق آیه «وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (مائده ۵: ۴۹)، عدل به معنای تبعیت کردن از احکامی است که در قرآن نازل شده است (شافعی، ۱۴۰۳هـ، ج ۷، ص ۹۸).

حتی اگر کسی ادعا کند قوانین کشورهای غیر اسلامی از تورات و انجیل گرفته شده - که نیست - باز هم با وجود قرآن و برتری احکام آن، ارجاع ضوابط فرهنگی به قوانین غیر اسلامی مجاز نیست. این ویژگی به «مهیمن» بودن قرآن بر سایر کتب آسمانی برمی‌گردد (مائده ۵: ۴۸ - ۴۹). هیمنه قرآن از آن روست که محتوای بالای آن بر مضمون دیگر کتاب‌ها ناظر و شاهد است؛ در نتیجه بر آنها برتری و حاکمیت دارد (جوادی، ۱۳۸۹هـ.ش، ج ۲۲، ص ۵۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴هـ.ش، ج ۴، ص ۴۰۰۰). همین «مهیمن» بودن، برهان قرآنی بر عدم جواز مراجعه به قوانین غیر اسلامی است.

۳-۲. رویکرد سلبی قانون معیار از منظر قرآن کریم

قرآن کریم نخستین مصدر استنباط احکام است؛ همان طور که شأن قانون‌گذاری را از آن خداوند متعال بالذات و انبیا و جانشینان آنان بالعرض می‌داند، از برخی گروه‌ها این شأن

را سلب می‌کند. طبق فتوای فقیهان مالکی، هر کسی در دعاوی خود احکام شریعت والای اسلام را ترک کند و به جای آن به شرایع منسوخ دیگر ترفع کند، به اجماع مسلمین کافر است (ابن‌کثیر، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۳۹). وقتی مراجعه به شرایع پیشین، کفر قلمداد شود، وضعیت مراجعه به قوانین صرف بشری روشن خواهد بود!

در این قسمت، رویکرد سلبی قانون معیار از منظر قرآن کریم درباره نهاد صالح در قانون‌گذاری بررسی می‌شود.

۳-۲-۱. طاغوت بودن هر حکم غیر الهی

طاغوت از ماده «طغی» و «طغو» به معنای تجاوز، اسراف و زیاده‌روی در گناه و ظلم است (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ هـ، ص ۱۳۰۷). قرآن مجید هر حکم غیر الهی را حکم طاغوت برمی‌شمرد و رفتن به سراغ آن را پیروی از خط شیطان می‌داند: «يُرِيدُونَ أَن يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ: می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند» (نساء ۴: ۶۰). طبق این آیه نه تنها مراجعه عملی به طاغوت، بلکه مجرد اراده رجوع به قوانین و محاکم طاغوتی نیز از نظر کلامی گناه و مورد سرزنش است (جوادی، ۱۳۸۹ هـ. ش، ج ۱۹، ص ۲۹۲).

قوانینی که بدون توجه به شرایع آسمانی وضع می‌شوند، درواقع کتب الهی را کنار می‌اندازند و شرایع آسمانی را باطل می‌دانند. زمخشری چنین حکامی را «دزدان متغلب» نامیده است (زمخشری، ۱۴۱۵ هـ، ج ۱، ص ۵۲۴). از نگاه قرآن کریم، تمایل به قوانین غیر الهی و رضایت‌نداشتن به احکام دینی، ناشی از نفاق است (نساء ۴: ۶۱).

فقره «وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» در پی کشف از حقیقتی پنهان است که منشأ تمایل انسان در تحاکم به طاغوت، اراده شیطان است که به دنبال شر و فساد است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ هـ، ج ۴، ص ۱۷۲).

۳-۲-۲. جاهلی بودن هر حکم غیرالهی

قرآن کریم حکومت هر نوع قانونی غیر از قانون خدا و حاکمیتی جز حاکمیت مجریان قانون خدا را حکومت جاهلی می داند (عمید، ۱۴۲۱ هـ، ج ۲، ص ۱۶۹). احکامی که از مبدأ غیرالهی صادر می شود، حکم جاهلی است؛ هرچند در فضای اسلامی صادر شده باشد (جوادی، ۱۳۸۹ هـ، ش، ج ۲۲، ص ۶۱۹). خداوند متعال در برابر کسانی که خواهان احکام غیرالهی بودند، می فرماید: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ: پس آیا داوری جاهلیت را می طلبند؟! و برای قومی که یقین دارند، چه کسی در داوری بهتر از خداست؟» (مائده ۵: ۵۰). مراد از جاهلیت، آیین های بشری است که به جای توجه به قوانین عادلانه شرایع آسمانی، دنباله روی و خواسته های انسانی و جهل هستند (بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲، ص ۱۳۰؛ زمخشری، ۱۴۱۵ هـ، ج ۱، ص ۶۴۱).

در تحلیل جاهلی بودن و نسبت جهل به قوانین بشری می توان گفت چون انسان ها از مصالح و مفساد واقعی آگاه نیستند، قانون گذاری بدون کمک گرفتن از وحی که منبع اصلی علم به سعادت انسان هستند، قانون گذاری جاهلانه است (طبرسی، ۱۳۷۲ هـ، ش، ج ۷، ص ۶۹). واژه «أَحْسَنُ» در «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا»، تعیینی است، نه تفضیلی؛ زیرا تنها داوری الهی نیکوست و هرچه در مقابل حکم خدا قرار گیرد، قبیح است و باطل (جوادی، ۱۳۸۹ هـ، ش، ج ۲۲، ص ۶۱۹). راز برتری احکام خدا بر سایر قوانین، عادلانه بودن احکام الهی، رحمت و وسعه خدا بر خلق و ارحم الراحمین بودن وی، علم فراگیر و قدرت مطلق اوست (ابن کثیر، ۱۴۱۹ هـ، ج ۳، ص ۱۲۰). ابن کثیر در این باره به قوانین چنگیزخان اشاره می کند که از شرایع یهود، مسیحیت، اسلام و سایر منابع گرفته شده است که به گفته وی، بیشتر قوانین آن برخاسته از نظر خود وی و تمایلات نفسانی اش است. وی جنگ با چنین قانون گذارانی را که سبب کنار گذاشتن احکام خدای می شود، لازم دانسته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ هـ، ج ۳، ص ۱۱۹).

۴. بایسته‌های حقوقی و راه‌حل‌های مقاومت محور در پیوستن به معاهدات بین‌المللی فرهنگی

پیوستن کشورهای اسلامی به معاهدات فرهنگی از زوایای مختلفی، قابل دفاع و ترجیح است. در این راستا می‌توان به همگرایی فرهنگی، فرصت‌های توسعه فرهنگی، تعامل سازنده و دیپلماسی فرهنگی، استفاده از معاهدات برای تقویت قدرت نرم کشورهای اسلامی و ... استناد کرد. اصل وفای به عهد مستند به آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) نیز عمل متعهدانه به تعهدات بین‌المللی را الزام می‌بخشد.

با این حال، به نظر می‌رسد خاستگاه اصلی گرایش به عضویت در این معاهدات، تجددطلبی و مدرنیسم است که به معنای هماهنگ کردن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن است (آقابخشی، ۱۳۶۳ ه.ش، ص ۱۶۶۹). با ارائه نمونه‌های معاهدات فرهنگی معارض با احکام شرع و طرح قانون معیار از منظر قرآن کریم روشن شد که معاهدات بین‌المللی با منشأ بشری که در منطقه الفراغ منعقد نشده‌اند، عیار کافی برای قانون معیار در کشورهای اسلامی را ندارند. از طرفی هم برای تعامل با کشورهای دنیا، چاره‌ای جز نگرش فعالانه به این معاهدات نیست. در ادامه بایسته‌های رویکرد حقوقی مقاومت محور در پیوستن به معاهدات بین‌المللی فرهنگی و راهکارهای ممکن برای برون رفت از این چالش ارائه می‌شود.

۴-۱. حق شرط (Reservation)

از منظر قرآن کریم، انسان نباید پیمانی را که مؤکد می‌کند، بشکند: «وَلَا تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» (نحل: ۹۱). حتی اگر مسلمانان با مشرکان عهد کردند و آنها عهدشکنی نکردند، باید عهد با آنان را تا مدت مقرر نگاه داشت: «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ

لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه ۹:۴). عموم و اطلاق این آیات قرآنی، معاهدات فرهنگی را نیز دربرمی گیرد. برای پایبندی به عهد در معاهدات بین المللی از یک طرف و تحفظ بر قوانین شریعت در قراردادهای فرهنگی متضمن بندهای خلاف احکام اسلامی از طرف دیگر، مهم ترین راهکار، گنجاندن «حق شرط» در این معاهدات است. وقتی کشوری می خواهد با قبول موافقت نامه ای، عضویت در آن را بپذیرد؛ ولی چون بعضی از اصول موافقت نامه را با منافع یا عادات و رسوم خود مغایر می بیند، حاضر به قبول تمامی آن اصول نمی شود. بنابراین برای جلوگیری از برهم خوردن شکل ظاهری موافقت نامه و بهره مندی کشور از بعضی مزایای آن، عملکرد دیپلماتیک راه حل ساده و راحتی را در نظر گرفته است که استفاده از «حق شرط» یا «حق رزرو» نامیده می شود (عمادزاده، ۱۳۶۶ ه.ش، ص ۲۹).

حق شرط یا تحفظ یا تحدید تعهد از مباحث مهم حقوق بین الملل و به معنای خودداری از اعمال بخشی از مقررات یک معاهده توسط یکی از طرف های آن معاهده است. به موجب بند دال ماده ۲ معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، حق شرط عبارت است از: «بیانیه یک جانبه ای که یک کشور تحت هر عنوان یا به هر شکل به هنگام امضا، تصویب، پذیرش یا تصدیق یک معاهده با الحاق به آن صادر می کند و به وسیله آن، منظور خود را در خصوص عدم شمول یا تغییر اثر حقوقی برخی از مقررات معاهده در زمینه اجرای همان معاهده نسبت به خود بیان می دارد». با به کارگیری این ابزار حقوقی، تعداد کشورهای ملزم به یک معاهده افزایش می یابد؛ با وجود این، منافع یک کشور هم خدشه دار نمی شود (موسوی خراسانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۱۱۴).

البته ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق معاهدات مقرر می دارد: «یک کشور می تواند به هنگام امضا، تصویب، پذیرش، تصدیق یا الحاق به یک معاهده نسبت به آن حق شرط قائل شود،

مگر آنکه حق شرط به موجب معاهده منع شده باشد ... حق شرط نباید با هدف و موضوع معاهده مغایرت داشته باشد». بنابراین برخی از کنوانسیون‌ها، دولت‌ها را از حق شرط منع کرده‌اند و آنها را تحت فشار قرار می‌دهند؛ از این رو هرچند اتخاذ حق شرط توسط دولت‌ها در ماده ۵۱ کنوانسیون حقوق کودک به رسمیت شناخته شده است، مطابق بند ۲ ماده ۵۲ کنوانسیون حقوق کودک، حق شرط‌ها نباید مغایر هدف و مقصود کنوانسیون باشد. کمیته CEDAW نیز از ایرلند به دلیل نفوذ کلیسا هم در نوع رفتارها و هم در کلیشه‌ها و همچنین در سیاست رسمی دولت انتقاد می‌کند و به لیبی گفته است که تفسیر قرآن باید در پرتو مفاد کنوانسیون بازبینی شود.

با وجود این، برخی از دولت‌ها، کنوانسیون کودک را با توجه به ماده ۵۱ کنوانسیون، با شرایط خاصی و با اعلام حق شرط پذیرفته‌اند؛ برای نمونه کشور مصر هنگام پیوستن به این کنوانسیون در سال ۱۹۹۰ اعلام کرد: «از آنجاکه شریعت اسلامی یکی از مهم‌ترین منابع اصلی قوانین موضوعه مصر است و در اسلام با وجود راه‌های مختلفی که برای حمایت از کودکان وجود دارد، مقررات فرزندخواندگی موجود نیست؛ بنابراین نسبت به مواد مربوط به آن به صراحت اعلام حق شرط می‌کند». (UN Treaty Collection)

هنگام امضای کنوانسیون حقوق کودک، شورای نگهبان در نظریه شماره ۵۷۶۰ - ۱۳۷۲/۱۱/۴ خود به مجلس، موارد مخالفت کنوانسیون با موازین شرع را به طور مشخص اعلام داشت که عبارت بودند از: بند ۱ ماده ۱۲ (آزادی عقیده)؛ بند ۱ ماده ۱۳ (آزادی بیان)؛ بنده ۲ ماده ۱۳ (محدودیت‌ها نسبت به حق مذکور) و ... مجلس شورای اسلامی پس از دریافت نظر شورای نگهبان، با اصلاح یک عبارت کوچکی در ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱) عبارت «باشد و یا» را بعد از کلمه «اسلامی» و قبل از کلمه «قرار گیرد» افزود،

آن را تصویب کرد؛ بدین ترتیب که «و ... مشروط بر اینکه مفاد آن در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد». مفهوم شرط یادشده این است که دولت جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به کنوانسیون، درصدد برنمی‌آید که قوانین خود را با مقررات کنوانسیون وفق دهد، بلکه قوانین خود را اجرا می‌کند و در آینده نیز قوانینی را که مناسب بدانند، وضع و اجرا می‌کند.

درباره سند ۲۰۳۰ نیز در ۱۰ خرداد ۱۳۹۶ نیز وزارت علوم جمهوری اسلامی ایران بیانیه‌ای به شرح زیر انتشار داد: «چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰ صرفاً یک بیانیه است و در زمره پیمان نامه‌های نامی‌گنجد و الزام‌آور نیست و کشورها مطابق با ساختار ملی خود می‌توانند آن را اجرا کنند. علی‌رغم الزام‌آور نبودن سند چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰، جمهوری اسلامی ایران باز هم نسبت به آن اعلام تحفظ رسمی و مکتوب کرده و دامنه شمول مفاد پذیرفته شده را محدود و مشروط کرده است». (<https://dolat.ir/detail/294593/2030>)

درباره کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نیز «ماده واحده» به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه می‌دهد به این کنوانسیون منوط به برقراری تحفظات و شروط زیر ملحق گردد: «الف) جمهوری اسلامی ایران، مفاد کنوانسیون مذکور را در مواردی که با شریعت مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد، قابل اجرا می‌داند؛ ب) جمهوری اسلامی ایران خود را موظف به اجرای بند ۱ ماده ۲۹ این کنوانسیون در خصوص حل و فصل اختلافات از طریق داوری و یا ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌داند»^۱.

در دلایل فقهی منع پیوستن به این معاهدات بدون حق شرط می‌توان از قاعده «نفی سبیل» نام برد. قاعده «لزوم مراعات الأهم فالهم» نیز بیان می‌دارد اولویت‌ها باید در هر ساحتی رعایت شود (رک: دیلمی و جلیلی، ۱۳۹۹ هـ.ش، ص ۷). حاکمان کشورهای

اسلامی باید قوانین شرعی را بر ناهنجاری‌های فرهنگی معاهدات فرهنگی مقدم دارند و با حق شرط، التزام به آنها را تضمین کنند. طبق روایت نبوی «الإسلام یعلو ولا یعلی»، باید حکم اسلام محترم دانسته شود و بر سایر قوانین غلبه کند (رویانی، ۲۰۰۹م، ج ۹، ص ۳۰۲). مبنای حقوقی این روند نیز پرهیز از ارتکاب اعمال خلاف اخلاق حسنه است. نظم عمومی که افزون بر نقش محدودکننده در قلمرو داخلی، در قلمرو بین‌المللی نیز اعمال قوانین و قواعد مخالف نظم عمومی کشور میزبان را با مانع روبرو می‌کند (حمزه و فخاریان، ۱۴۰۳هـ.ش، ص ۳۳)، مبنای دیگر حقوقی بر لزوم استفاده از حق شرط است.

با استفاده از مکانیزم حق شرط در این معاهدات، به دلالت قاعده «العقود تابعة للقصود» که بیان می‌دارد قصد جزء ماهیت عقد است و قوام عقد وابسته به قصد است (مرادخانی و شمس، ۱۳۹۱هـ.ش، ص ۳۳)، آنچه کشورهای اسلامی ملزم به آن خواهند بود، معاهدات متضمن حق شرط در راستای تحفظ بر قوانین اسلامی است. در نتیجه هم در عرصه روابط بین‌المللی حضوری فعال دارند و هم قانون معیار در چارچوب حاکمیت دین حفظ خواهد شد.

البته به نظر نگارندگان، اساساً معاهده‌ای که مخالف قوانین اسلام و متضمن اباحه محرمات باشد، منعقد نمی‌شود. این گزاره از دلالت «الصلح جایز الا ما احل حراماً» (سرخسی، [بی تا]، ج ۲۰، ص ۱۳۴) به دست می‌آید. با وجود ظرفیت بالای عقد صلح در تحمل هر نوع توافقی، فقیهان به اجماع (عاملی، ۱۴۱۹هـ، ج ۱۷، ص ۱۴) صلح متضمن تحلیل حرام و تحریم حلال را باطل دانسته‌اند. وقتی در قرارداد صلح که بین دو شخص حقیقی است، تحلیل حرام از انعقاد عقد جلوگیری می‌کند، معاهدات حقوقی متضمن خلاف شرع نیز کالعدم و باطل خواهند بود. گنجاندن حق شرط و پذیرش معاهده در بندهای موافق شریعت، راه حل اعتبار معاهدات است.

۲-۴. قید شرط

بر اساس آنچه در حق شرط بیان شد، استفاده از این ابزار حقوقی در جایی که کشوری با سایر کشورهای عضو اتفاق نظر کامل ندارد و نمی‌تواند همه بندهای یک معاهده را بپذیرد، سبب می‌شود به جای عدم عضویت کامل در آن، به گونه‌ای محدود و با شروط محدودکننده به آن بپیوندد (عمادزاده، ۱۳۶۶ ه.ش، ص ۲۰۲). با توجه به ناهماهنگی‌های ساختاری در کشورهای جهان و اختلافات عمیق سیاسی و فرهنگی، هنگام ارائه تعهدات بین‌المللی درباره حق شرط کشورها، چندان سختگیری هم نمی‌کنند. (Thierry, 1975, p 84)

فراتر از این، مذاکره فعال با نهادهای فرهنگی بین‌المللی و پیگیری حقوقی برای مشارکت در تدوین استانداردهای معاهدات بین‌المللی می‌تواند تأثیر زیادی در تحفظ بر قوانین شریعت داشته باشد. در واقع افزون بر حق شرط در معاهدات، می‌توان از «قید شرط» نیز بهره جست. تمایز «قید شرط» با «حق شرط» این است که قید شرط از ابتدا محصول توافق اراده طرف‌های معاهده است؛ در حالی که حق شرط، حاصل اراده یک جانبه کشور شرط‌کننده است. البته اثر حقوقی آن منوط به پذیرش طرف‌های دیگر معاهده است. همچنین «قید شرط» در حین مذاکرات مطرح می‌شود و در نهایت در متن معاهده گنجانده می‌شود؛ در حالی که حق شرط در قالب یک بیانیه یا اعلامیه و خارج از متن معاهده بیان می‌گردد (فلسفی، ۱۳۷۹ ه.ش، ص ۲۳۰). نتیجه اینکه همانند شرط بر معاهده می‌توان از شرط در معاهده نیز برای تحفظ بر قوانین اسلامی استفاده کرد.

۳-۴. ایجاد معاهدات کشورهای اسلامی

معاهدات بین‌المللی در ظاهر برای تسهیل روابط کشورها منعقد می‌شود؛ ولی بدون استثنا دنبال سلطه فرهنگی بر کشورهای دیگر به ویژه کشورهای مسلمان با حاکمیت سکولار بر زندگی مسلمانان هستند. بنابراین در اغراض یکپارچه سازی قوانین نباید به همان

تسهیل در پیشرفت بسنده کرد و از اهداف پنهانی کشورهای سلطه‌طلب و استعمارگر به‌ویژه در ابلاغ عمومی قوانین مرتبط با فرهنگ زیستی کشورهای مسلمان غافل بود.

امت اسلامی و حاکمان کشورهای اسلامی باید با انسجام فرامرزی متکی به شریعت واحد، با ایجاد شبکه حقوقی میان کشورهای اسلامی، معاهدات اسلامی با یکدیگر منعقد کنند. فخر رازی روایتی را از طریق انس از پیامبر خدا نقل می‌کند که می‌فرماید: «این امت تا زمانی که در احکام خود دنباله‌رو عدل هستند، سعادتمند می‌شوند» (فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۱، ص ۱۱۰). عدل همان احکامی است که از طرف خدا نازل شده است (شافعی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۲۱). اگر کسی به عدل و احکام الهی حکم نکند، جزء ظالمان و مشمول آیه «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا» (نمل ۲۷: ۵۲) می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۱، ص ۱۱۰). پذیرش این رویکرد در اندیشه مذاهب اسلامی می‌بایست کشورهای اسلامی را به سمت تأسیس سازمان‌های فرهنگی درون دینی سوق دهد.

البته کشورهای اسلامی در برخی موارد دیگر برای حفاظت از قوانین اسلامی، سازمان‌های درون دینی تأسیس کرده‌اند؛ مانند مؤسسه جهانی حلال (OIC) در سال ۲۰۰۷ میلادی (<https://halalworldinstitute.org/fa/halal/introduction.html>). این همکاری باید توسعه یافته و به عرصه فرهنگی نیز کشیده شود. همچنین کشورهای اسلامی می‌توانند با ایجاد شبکه حقوقی و همکاری منسجم با یکدیگر، در شناسایی و انتخاب معاهدات فرهنگی غیرمتعارض با شریعت همکاری کنند.

البته چه‌بسا برخی حاکمان تمایلات مردم را دستاویز قرار دهند؛ با وجود این، احکامی که از غیروحی گرفته شده و موافق آن نباشند، حکم جاهلی شمرده می‌شود؛ هرچند مورد اتفاق امت‌ها باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴ هـ، ج ۵، ص ۶۰۰؛ جوادی، ۱۳۸۹ هـ، ج ۱۹، ص ۳۰۵). در مواردی افراد به دلیل ترس از مستکبران و سرمایه‌داران یا انگیزه‌های مادی و سیاسی و جلب رضایت توده‌های مردم، دنبال تغییر و تحریف قوانین الهی هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۱۲، ص ۳۶۷؛ ابن عادل، ۱۴۱۹ هـ، ج ۷، ص ۳۴۹). این دو ویژگی، بیان برهانی علت تمایل به قوانین

غیرالهی است. خداوند متعال از این ترس و ملاحظه‌کاری نهی می‌کند و می‌فرماید: «فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» (مائده ۵: ۴۴). این طمع، همان است که امروزه برخی دولت‌های اسلامی برای برخورداری از وام‌های سازمان‌های بین‌المللی پولی و ... به راحتی احکام الهی را در ورزشگاه‌ها و ... زیرپا می‌گذارند. اوج سفاهت است که در مقابل این آورده‌های ناچیز، دیانت و سعادت ابدی بی‌نهایت نادیده گرفته شود (فخررازی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۱۲، ص ۳۶۷).

۴-۴. تمایز بین احوال شخصیه و امور کیفری

روشن است که تمامی شهروندان یک کشور اسلامی مسلمان نیستند، بلکه مستأمنان و ذمیان نیز در سرزمین اسلامی اقامت دارند. ذمیان عبارت‌اند از اهل کتاب که با پرداخت جزیه و انعقاد قرارداد اقامت دائم، شهروند و تبعه دولت اسلامی می‌شوند؛ ولی مستأمنان کسانی هستند که با انعقاد عقد امان در سرزمین اسلامی به طور موقت اقامت دارند و تبعه دولت اسلامی محسوب نمی‌گردند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ هـ، ج ۲، ص ۴۲). غیرمسلمانان در کشورهای اسلامی در حیطه احوال شخصی آزادند؛ اما در امور کیفری و جزایی به قوانین اسلام مکلف‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۹، ص ۳۸۴؛ امام خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۶۴). چه بسا با توجه به این تفکیک بتوان ادعا کرد که پیوست‌های فرهنگی بین‌المللی در حق غیرمسلمانان قابلیت اجرا دارد؛ زیرا بیشتر در حیطه احوال شخصیه است.

پاسخ اینکه هرچند در بیشتر کشورهای اسلامی از جمله ایران، تعدد احوال شخصیه پذیرفته شده و غیرمسلمانان به احکام آیین خودشان مشی می‌کنند (اصل ۱۳ ق.ا.ایران)، پیوستن حاکمیت به معاهدات بین‌المللی ضرورتی ندارد. نهایت اینکه غیرمسلمانان می‌توانند مواد قانونی معاهدات را تا جایی که خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی نباشد، در احوال شخصیه خودشان بگنجانند. اصل ۴ قانون اساسی نیز مقرر داشته است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر

اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

جمع‌بندی و نتیجه

این مقاله با بررسی چالش پیوستن کشورهای اسلامی به معاهدات بین‌المللی فرهنگی از منظر فقه اسلامی، بر ضرورت اتخاذ رویکردی مقاومت محور تأکید می‌کند. با استناد به آیات قرآن کریم و آرای فقهای مذاهب اسلامی، مشروعیت قانون‌گذاری منحصر در حاکمیت الهی و شریعت اسلام دانسته شده است و هرگونه حکم غیر الهی به عنوان «طاغوت» و «جاهلی» نفی می‌شود. در این راستا، معاهدات فرهنگی بین‌المللی که در مواردی با احکام شرعی در تعارض هستند (مانند کنوانسیون‌های رفع تبعیض علیه زنان، حقوق کودک و دستورکار ۲۰۳۰ توسعه پایدار)، از حیث شرعی قابل پذیرش مطلق نیستند. برای تعامل سازنده با نظام بین‌الملل و با وجود این حفظ استقلال تقنینی و هویت اسلامی، راهکارهای حقوقی مقاومت محور ارائه شده است. مهم‌ترین این راهکارها عبارت‌اند از: ۱. استفاده از حق شرط (Reservation) در الحاق به معاهدات به منظور عدم شمول مقررات مغایر با شریعت؛ ۲. گنجانیدن قید شرط در متن معاهدات طی مذاکرات بین‌المللی؛ ۳. ایجاد معاهدات و سازمان‌های فرهنگی مشترک میان کشورهای اسلامی برای تقویت همگرایی درون دینی و کاهش وابستگی به الگوهای سکولار غربی؛ ۴. تمایزگذاری بین احوال شخصیه غیرمسلمانان و قوانین کیفری عمومی در تطبیق معاهدات.

درنهایت، مقاله بر این نکته تأکید می‌کند که مقاومت حقوقی نه به معنای انزوا، بلکه به معنای تعامل هوشمندانه و مبتنی بر اصول دینی با جامعه جهانی است. کشورهای اسلامی می‌توانند با بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی بین‌المللی و تقویت نظام تقنینی داخلی، هم از موازین شرعی دفاع کنند و هم در عرصه بین‌المللی حضوری فعال و تأثیرگذار داشته باشند.

پی‌نوشت

۱. گفتنی است که این کنوانسیون از طرف شورای محترم نگهبان مورد تأیید قرار نگرفت و ایران به آن ملحق نشده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن عادل، عمر بن علی. (۱۴۱۹ هـ). الباب فی علوم الکتاب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ هـ). التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ هـ). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. [بی تا]. البدایة والنهایة. محقق: علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۰ هـ). لسان العرب. چ ۳. بیروت: دارالفکر - دارصادر.
- آقابخشی، علی. (۱۳۶۳ هـ.ش). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: تندر.
- آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ هـ). روح المعانی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- امام خمینی، سیدروح الله موسوی. (۱۴۲۳ هـ). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار.
- امام خمینی، سیدروح الله موسوی. [بی تا]. تحریر الوسیله. تهران: تنظیم و نشر آثار.
- بخاری حنفی، محمود بن أحمد. (۱۴۲۴ هـ). المحيط البرهانی فی الفقه النعمانی. محقق: سامی الجندی. بیروت: دارالکتب.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ هـ). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ هـ.ش). تسنیم. قم: اسرا.
- حمزه هویدا، مهدی؛ و مریم فخاریان. (۱۴۰۳ هـ.ش). «مفهوم نظم عمومی و رابطه آن با اخلاق حسنه در حقوق ایران». مطالعات حقوق بشر اسلامی. دوره ۱۳، ش ۳، ص ۱۰۹ - ۱۳۷.
- دیلمی، احمد؛ و آیت الله جلیلی. (۱۳۹۹ هـ.ش). «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن». حقوق اسلامی. دوره ۱۷، ش ۶۶، ص ۷ - ۲۶.

- رویانی، عبدالواحد بن اسماعیل. (۲۰۰۹ م). بحر المذهب. محقق: فتحي. بيروت: دارالکتب العلمیة.
- زحیلی، وهبة. (۲۰۰۹ م). تفسیر المنیر. دمشق: دارالفکر.
- زمخشری، جارالله. (۱۴۱۵ هـ). کشف. قم: بلاغت.
- سرخسی، محمد بن احمد. [بی‌تا]. مبسوط. بيروت: دارالمعرفة.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ هـ). تفسیر سمرقندی. بيروت: دارالفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ هـ). الدر المنثور. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی (ره).
- شافعی، محمد بن ادریس. (۱۴۱۲ هـ). احکام القرآن. بيروت: دارالکتب العلمیة.
- شافعی، محمد بن ادریس. (۱۴۰۳ هـ). الأم. بيروت: دارالفکر.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ هـ). مبسوط. تهران: مرتضویه.
- شیروی، عبدالجسین. (۱۳۹۲ هـ.ش). حقوق تجارت بین‌الملل. تهران: سمت.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ هـ.ش). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: موسوی. قم: اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ هـ.ش). مجمع البیان. تهران: ناصر خسرو.
- عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹ هـ). مفتاح الکرامة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ هـ). تذکرة الفقهاء. قم: آل‌البیت.
- عمادزاده، محمد کاظم. (۱۳۶۶ هـ.ش). «استفاده از "حق شرط" در معاهدات بین‌المللی». نشریه حقوق بین‌المللی. ش ۸.
- عمید، عباس‌علی. (۱۴۲۱ هـ). فقه سیاسی. چ ۴. تهران: امیر کبیر.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ هـ). مفاتیح الغیب. بيروت: احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ هـ). کتاب العین. چ ۲. قم: نشر هجرت.
- فلسفی، هدایت‌الله. (۱۳۷۹ هـ.ش). حقوق بین‌الملل تعهدات. تهران: نشر نو.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶ هـ). قاموس المحيط. بيروت: الرسالة.
- قاسمی، حسین؛ علیرضا مظاهری؛ و محمد صادق نصرت‌پناه. (۱۴۰۲ هـ.ش). «مفهوم‌شناسی مقاومت بر اساس نظریه اصل واحد». نشریه دانش سیاسی. ش ۱۹ (ویژه‌نامه اول؛ مقاومت)، ص ۱۶۹ - ۱۹۲.
- کبیری، زینب؛ و نرگس رودگر. (۱۴۰۱ هـ.ش). «بررسی ادله فمینیسم رادیکال بر جواز سقط جنین در راستای تحقق

آزادی جنسی به عنوان امر اخلاقی». مطالعات اسلامی زنان و خانواده. دوره ۹، ش ۱۷، ص ۱۳۳ - ۱۵۶.
مرادخانی، احمد؛ و امیر شمس. (۱۳۹۱ ه.ش). «بررسی فقهی قاعده العقود تابعة للقصد». مطالعات
فقهی و فلسفی. ش ۹، ص ۳۳ - ۵۸.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ه.ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
موسوی خراسانی، سید محمد حسن. (۱۳۸۷ ه.ش). «مبانی حق شرط در حقوق بین الملل و اسلام».
مجله الهیات و حقوق. ش ۲۸، ص ۱۱۱ - ۱۴۳.
نقوی، علی محمد. (۱۳۶۳ ه.ش). جامعه شناسی غرب گرایی. تهران: امیرکبیر.

قوانین و مقررات

آیین نامه انضباطی فیفا، مصوب ۲۰۱۹ م.
قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۳۷۲ ش).
قانون اساسی ایران (مصوب ۱۳۵۸ ش).
قانون مدنی ایران (مصوب ۱۳۰۷ ش).
قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲ ش).
CEDAW: کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۹۷۹).
CRC: کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹).
کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات (مصوب ۱۹۶۹).

<https://dolat.ir/detail>.

<https://halalworldinstitute.org/fa/halal/introduction.html>.

<https://farsi.khamenei.ir>.

Stanford v. Kentucky 1989.

Thierry, hubert, Droit Inter National Public, Paris, 1975.

UN Treaty Collection.

Wendy Wright, "CEDAW Committee Rulings", n.d: (www.cwfa.org).